

بیگاری دانشجویی

تامین مخارج تحصیل، بزرگترین دغدغه ی فکری دانشجویانی را تشکیل می دهد که از طبقه کارگر وارد دانشگاهها می شوند. هزینه سنگین اجاره ی خوابگاه و تهیه خوراک و پوشاک در شرایطی که دانشجو از نظر مالی مستقل نمی باشد و از خود تولیدی ندارد، بر عهده ی خانواده ی اوست. خانواده ای که مشکلات عدیده ای در جامعه ی سرمایه داری و اقتصاد بیمار آن، گریبانگیرش شده است و به همین دلیل توانایی پشتیبانی از فرزندان خود را ندارد. بسیاری از فرزندان طبقه ی کارگر در نتیجه فقر قید ادامه ی تحصیل را زده، پیشه ی والدین خود را دنبال می کنند. استعدادهای درخشانی از بین می رود و از درون نیروی کار استثمار شده، نیروی انسانی تازه نفس زاییده می شود. اما با وجود تمام محدودیتها، باز هم عده ای ناچیز از آنها در مقایسه با طبقات اجتماعی مرفه، با غلبه بر موانع بیشتری که جامعه سرمایه داری در مقابلشان قرار داده است، وارد دانشگاهها می شوند و این بار با افسردگی ناشی از فقر و تحقیر آن، دچار افت تحصیلی شده و ناچار به ترک تحصیل می شوند و در موارد حادتر خودکشی می کنند.

بقیه در صفحه ۲

پاسخی به نامه

به من بگوید قیم مآب کیست؟

ادامه از شماره پیش

دوست عزیز، نوشته بودی: «چند وقت پیش در سایت جوان دات نت مقاله ای با عنوان قیم مآبی حزب کمونیست کارگری به چاپ رسیده بود که به ضم اکثر فعالان چپ زمینه ای بود که این گروه کوچک می خواست برای بودن خود دست و پا کند که موفق هم نشد. این گروه که نام اتحادیه را با خود یدک می کشد و حتی جرات نکرده اسم حزب را برگزیند حتی از چاپ کردن انتقادات درونی سازمان جوانان کمونیست حزب کمونیست کارگری (برای مثال در مورد شاملو) دریغ نورزیده و خود را این جور در جمع چپ ها در خیالشان جا داده؟»

.....دوست عزیز، درست به همین دلیل بود که با به قول شما از نقد به «انتقاد درونی؟!» سازمان جوانان حزب شما "دریغ نورزیدیم" و بعد از این نیز دریغ نخواهیم ورزید. راستی انتقاد درونی شما چگونه در وب لاگ ضمیر سرخ آمده بود و به انتقاد بیرونی تبدیل شده بود؟ در هر صورت نقد به این انتقاد شما در این وبلاگ زمینه ادامه این بحث و چاپ آن را ایجاد کرده بود. اما مهم آن است که شما بعد از برون آمدن این انتقاد از درون، می توانستید به این نظرات واکنش نشان دهید که ندادید، چرا؟ بگذار حدت بزنم. (اگر در این حدت اشتباه کردم لطفا مرا تصحیح کنید) ابتدا به این مطلب واکنشی داده نمی شود و بعد کسی یا کسانی (مثلا خود شما) از حزبتان می پرسید که چرا جواب «اینها» را نمی دهید؟ در جواب گفته می شود، اینها یک گروه کوچک هستند که ما با جواب دادن به آنها بیشتر آنها را مطرح خواهیم کرد.

بقیه در صفحه ۳



جوان سوسیالیست

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.javaan.net>

javan1378@hotmail.com

۵ بهمن ۱۳۸۲

شماره ۱۰

نه! به خیمه شب بازی انتخابات

۲۵ سال از عمر حکومتی می گذرد که در طول حیات ننگین خود، از بدو تولد تا کنون بجز دروغ و ریا چیزی در چنته نداشته است. ۲۵ سال از حیات رژیم می گذرد که حیات خود را با ربودن فریبکارانه آراء مردمی شروع کرد که از ظلم و بیداد به تنگ آمده بودند و قیامی مردمی را پایه نهادند ولی ثمره آن را در یک انتخابات، به دست کسانی سپردند که نمی دانستند بلای جانیشان خواهند شد.

جمهوری اسلامی در طی حیات خود بارها از اعتماد مردم سوءاستفاده کرده و در هر انتخاباتی با فریب دادن آنها اهداف خود را به کرسی نشانداده است. کما اینکه به وضوح می توان دید در طی این ۲۵ سال نتیجه هر انتخابات نه تنها در جهت منافع و خواست های مردم نبوده، بلکه متزورانه همان مردم را به سخره کشیده است و با دستاویز قرار دادن «مردمی بودن» انتخابات، اهداف خود را به آنها تحمیل کرده و پیش برده است.

. بقیه در صفحه ۲

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با

جنبش طبقه کارگر!

برقرار باد حکومت شوراهای کارگری!

زنده باد سوسیالیزم!

پیش به سوی ایجاد حزب پیشتاز انقلابی!

بیگاری دانشجویی

بقیه از صفحه ۱

در این میان همچون گفتارهایی که اطراف لاشه بی نیمه جان به انتظار می نشینند، سرمایه داری سعی می کند بهترین استفاده را از فاجعه ببرد. با شروع هر ترم انواع و اقسام آگهیهای کار دانشجویی بر درو دیوار دانشگاه، دانشجویان تحت فشار را وسوسه می کند برای آنکه ساعات با ارزشی از زندگی خود را در مقابل دستمزدی بسیار ناچیز از دست بدهد. نکته مهم این است که هیچ قانونی در این مورد وجود ندارد و در هیچ یک از این آگهیها از دستمزد پرداختی چیزی نمی نویسند. بسیاری از دانشجویان به مدت یک ترم بیگاری می کنند و در آخر متوجه می شوند که در مقابل ساعتی ۱۰۰ تومان کار کرده اند! مبلغی آنقدر ناچیز که بعد از چند ماه نصیبشان شده است و نخستین و مهمترین پیامد آن افت تحصیلی است، چراکه با حجم سنگین کار دیگر فرصتی برای مطالعه و پیشرفت تحصیلی باقی نمی ماند. اکثر کارهایی که به دانشجوی محول می شود کارهای خدماتی چون فروش ژتون غذا، تنظیم پرونده ها و کار در کتابخانه دانشگاه است، که بی ارتباط با رشته تحصیلی دانشجوی، خلایق و بی ارزشی را از بین می برد. مسئولین دانشگاهها با سوء استفاده از مشکلات اقتصادی دانشجویان، وظایفی را که باید با استخدام نیروی کار و بستن قرارداد کار با دستمزد معین، انجام شود را با صرف کمتر از یک دهم حقوقی که به یک کارمند پرداخته می شود توسط طرح کار دانشجویی انجام می دهند. برای مثال بسیاری از دانشجویان ارشد، کلاسهای حل التمرین را با دریافت ساعتی ۵۰۰ تومان برگزار می کنند در حالیکه این مقدار در مقایسه با کلاسهای خصوصی خارج از دانشگاه بسیار ناچیز است.

سیستم اداره ای دانشگاههای ایران از فساد مستثنی نبوده و همچون سایر ادارات دولتی دیگر، پستهای ویژه و حتی غیر ویژه آن در انحصار افرادی است که نه از روی ضابطه که بر اساس روابط استخدام شده اند و به هیچ وجه خود را مسئول جوابگویی به ارباب

رجوع ندانسته و با استفاده از بودجه ی دانشگاه، و تشخیص خود تقاضای دانشجویی برای کار می دهند و وظایف خود را به این طریق انجام می دهند. متأسفانه با وجود تمام آگهیها از ماهیت شغل موقتی که ارائه می شود باز هم عده ای از دانشجویان به ناچار مجبور می شوند برای تامین اندکی از مایحتاج مورد نیازشان به کار دانشجویی بپردازند.

این در حالی است که همکلاسیهای مرفه آنها با در اختیار داشتن امکانات وسیع مالی از نظر تحصیلی موفق تر و از لحاظ جسمی و روانی در وضعیت بسیار بهتری قرار دارند.

این است یکی از بیشمارترین نتایجی که در یک جامعه ی سرمایه داری، دامان طبقات تحت ستم را می گیرد و آن را همواره در این وضعیت اسف بار مزد بگیر ی پابرجا نگاه می دارد.

در این موقعیت، جوانان سوسیالیست خواهان این هستند که کلیه کسانی که مایل به ادامه تحصیل دانشگاهی هستند، صرف نظر از موقعیت اجتماعی شان، قادر به چنین امری باشند. جوانان بدون بضاعت باید بتوانند بدون فشار مالی در دانشگاه (انتقاعی و غیر انتقاعی) مشغول تحصیل شده و بودجه ای نیز برای مسکن و مخارج آنها در دوره تحصیلی به آنها تعلق گیرد. دولت موظف است که همه این مخارج را برای فرزندان کارگران تامین کند. همه دانشجویان صرف نظر از موقعیت اجتماعی شان از حقوق برابر برخوردار هستند.

اگر دولت و نمایندگان آن در دانشگاهها قادر به انجام این وظایف ابتدایی نباشند؛ جوانان خود متکی بر نیروی خود، با ایجاد تشکل های مستقل دانشجویی در هر دانشگاهها دروازه های دانشگاهها را بر روی فرزندان کارگران باز می کنند. جوانان سوسیالیست خواهان این هستند که اساتید دانشگاهی با آنها همراهی کنند و در مقابل اجحافات دولت در کنار دانشجویان قرار گیرند.

زنده باد سوسیالیزم!

نه! به خیمه شب بازی انتخابات

بقیه از صفحه ۱

یک نمونه از چنین انتخاباتی، انتخابات مجلس اسلامی است که تا کنون شش دوره از آن را تجربه کرده ایم. در طی شش دوره مجلس، چه چیز بجز اهداف حاکمان جمهوری اسلامی به کرسی رسیده و کدام خواسته مردمی محقق شده است؟ در طی شش دوره مجلس کدام یک از نمایندگان آن، نماینده واقعی طبقه کارگر و یا طبقه تحت ستم جامعه بوده اند؟ کدام یک از نمایندگانی که تا کنون وارد مجلس شده اند، پس از ورود به آن مکان، که قرار است «خانه مردم باشد»، (هتل اموات) حافظه یاد آوری و عده های را داشتند که پیش از گرفتن آرا مردم، به آنها می دادند؟ نمایندگانی که از بدو کاندید شدن برای نمایندگی، میلیونها تومان هزینه می کنند تا تبلیغاتی را شکل دهند که در طی آن به مردم بیاورانند که «مردمی» هستند. ولی این یقین را دارند که صندلیهای مجلس توان مسترد کردن هزینه هایشان را خواهد داشت.

جمهوری اسلامی با تزویر در هر انتخاباتی، کاندید هایی را خود به مردم معرفی می کند و به این هم بسنده ندارد، چرا که باز هم از بین آنها، کسانی دست چین می شوند که بیشترین منافع را برای ایشان محقق خواهد کرد. و نهایتاً نیز این نمایندگان که قرار بود به وسیله مردم انتخاب شوند، کسانی هستند که چندین بار از سرند جمهوری اسلامی گذشته اند. یا کاملاً خنثی هستند و یا به بهترین شکل اهداف حکومت را پیش خواهند برد، حالا مردم، شما از بین این عده که دیگر برای حاکمان ایران فرقی نمی کند کدام یک انتخاب شود، حق انتخاب دارید. این است خیمه شب بازی حکومت اسلامی که بی توجه به هوشمندی مردم ایران، سکوت آنها را به حساب عدم آگاهی شان از مسائلی که پشت پرده می گذرد، می گذارد.

واکنش مردم ایران در برابر انتخابات دوره هفتم مجلس چه خواهد بود؟ مردمی که در اوج خفقان حکومت اسلامی هوشیارانه و به هر زبانی رای «نه» رابه جمهوری اسلامی داده اند.

تازمانی که بنیان پوسیده حکومت اسلامی حاکم بر ایران وجود داشته باشد. پس تنها راه، تحریم فعال این چنین انتخابات است.

ما با عدم حضور در خیمه شب بازی انتخابات مجلس هفتم، با تحریم فعال این انتخابات، ضمن ابراز خشممان از نظام حاکم بر ایران، به فاز انقلاب علیه این نظام وارد شده، اعلام می کنیم که دیگر حیات رژیم اسلامی ایران به سر رسیده، دیگر نه اصلاح طلبی و نه رفرا ندیم نمی تواند حربه ای قرار بگیرد برای تداوم بخشیدن به حیات این نظام پوسیده.

نه به انتخابات مجلس هفتم!
نه به سیستم حاکم در ایران!

دیده روشن
۲۴ دی ۸۲

به من بگوید قیم مآب کیست؟

بقه از صفحه ۱

دوست عزیز اگر واقعا درست حدث زده باشم، این سوال پیش می آید که بالاخره تکلیف خود جواب چی میشه؟ حتی در گوشی و در گوش پرسش کننده به شکل " درونی". آیا این که آنها گروه کوچکی هستند جوابی است در مقابل آن نظر؟ و یا یک جواب وجود دارد حتی فقط برای یک پرسش کننده چه رسد به گروه کوچکی که خواسته «خود را این جوری در جمع چپ ها در خیالشان جا بده».

راستی آیا این گونه واکنش ها، حزب شما را در میان همان جمع چپ ها جا می دهد؟ سروش عزیز، اگر شما در میان همان جمع چپ ها با این سوال مواجه شدید که چرا " لیدر " حزبتان (حمید تقوایی) با وجود انتقادات درونی یا بیرونی نسبت به شاملو و توصیف او که: « طبعاً در بین جنبش ملی و اسلامی خوانندگانی دارد»، برای بیان بهتر خود در کنگره حککا، از شعر شاملو استفاده می کند و چرا از جنیفر لویز کمک نمی گیرد، چه جوابی خواهید داد؟ هرچند با آن بیان که ظاهراً نشان می دهد می خواهد شعر معروف شاملو را ساده کند، شنونده را کلافه می کند که بالاخره شب

ایبی کاملاً عکس این را ایفا می کند. نمایندگان مجلس اسلامی نه تنها خواسته های مردم را بیان نمی کند بلکه وظیفه اشان ابلاغ احکام دولت اسلامی به مردم و آماده کردن مردم برای پذیرش آن احکام است.

چرا که منافعشان چنین ایجاب می کند و اصلاً با همین هدف اجازه ورود به مجلس را یافته اند. این عده چگونه می توانند به مشکلات محرومین و نیازهای طبقه تحت ستم و طبقه کارگر بیندیشند مگر این که نماینده به حق آنان باشند و از دل این طبقه بیرون آمده باشند.

تنها چیزی که می تواند هشیاری مردم را به بازیهای حکومت حاکم ایران نشان دهد، تحریم فعال گسترده و سراسری انتخابات است تا به این وسیله بتوانیم گامی دیگر در جهت باز پس گیری حقوق پایمال شده امان برداریم و یک بار دیگر مخالفتمان با نظام حاکم بر ایران که تنها هدفش، حفظ منافع طبقه سرمایه دار است را اعلام کنیم.

ما خواهان انتخاباتی هستیم که هر حزب و جریان سیاسی حق شرکت در آن را داشته باشد. انتخاباتی که از قبل نتیجه آن مشخص نشده باشد بلکه، نه بر زبان که عملاً با آزایی حقیقی مردم، افرادی که بیشترین صلاحیت را برای نمایندگی مردم و دفاع از حقوق پایمال شده اشان دارند وارد مجلس بشوند.

انتخاباتی که در راستای آن، مطالبات به حق مردم وبخصوص اکثریت عظیم جامعه، یعنی کارگران و محرومان برآورده گردد. انتخاباتی که در راستای آن، انواع جریانات سیاسی وانواع تشکلات کارگری و دیگر تشکلات بدون اینکه نیاز به دولتی بودن داشته باشند، و بدون هیچ گونه محدودیت سیاسی، حق شرکت داشته باشند. انتخاباتی که نتیجه اش انتخاب افرادی نباشد که قانون فقر تصویب می کنند.

این خواسته ها نه در پوسته جمهوری اسلامی می گنجد و نه در توان اصلاح طلبان و رفرمیستهاست، چه آنان نیز به نوعی، فقط با کمی جابه جا کردن قوانین و بالا وپائین کردن فشارهای موجود بر مردم، تلاش در تداوم شرایط موجود دارند. چنین انتخاباتی امکان پذیر نیست

یک بار در انتخابات دو خرداد با هجوم به صندوق های رای، به حکومت اسلامی نشان دادند که با چه تنفری با آن مخالفند و بارها با عدم حضور خود این مخالفت را بیان کرده اند. اینک انتخاباتی را در پیش رو دارند که قرار است تداوم بخش صحنه خیمه شب بازی جمهوری اسلامی باشد. که قرار است با اتکا به مردمی بودن آن، حکومت ایران چند صباحی بیشتر به عمر خود ادامه دهد. واکنش مردمی که در طی این ۲۵ سال، از کشت جمهوری اسلامی، چیزی بجز فقر و بدبختی برداشت نداشته اند، کارگرانی که فقرشان هزاران برابر بیشتر و آسایش زندگیشان هزاران برابر کمتر شده، مردمی که خفقان حاکم جانشان را به تنگ آورده که حتی حق بیان درد فقر خود را هم ندارند، چه چیز می تواند باشد بجز، تحریم انتخابات فرمایشی حکومت اسلامی، تا این بار با عدم حضور خود تنفر خود را از رژیم ضد مردمی اعلام کند.

مفهوم انتخابات آن هم زمانی که مربوط به مجلس یعنی «خانه مردم» است، مردمی بودن آن است و این مردم، نه فلان سرمایه دار ویا تاجر، نه فلان ملاک ویا فلان بازاری، بلکه قشر عظیم جامعه یعنی طبقه کارگر و طبقه محروم و تحت ستم جامعه است. ولی این طبقه نه جایی در خانه خود یعنی مجلس دارند و نه رای ایشان مورد احترام گذاشته می شود. این افراد فقط باید نمایندگانی را تائید کنند که از قبل انتخاب شده اند تا انتخابات به ظاهر «مردمی» نشان داده شود. ولی دعوا برسر قدرت میان دو جناح حاکم و موجود در مجلس همچنان ادامه دارد و این نه بر سر دفاع بیشتر هر یک ازطرفین ازمنافع طبقه محروم بلکه بر سر حفظ بیشتر منافع خودشان است.

انتخابات آن هم وقتی که به مجلس مربوط می شود تنها زمانی مفهوم واقعی خود را پیدا می کند که جز جزنش مردمی باشد. کاندید ها توسط مردم اعلام شوند، از بین آنها، عده ای که شرایط مساعد بیشتری دارند، باز هم توسط مردم انتخاب شوند و از بین این عده نمایندگانی انتخاب شوند که قرار است حرف و خواسته مردم را در مجلس بیان کنند و نیاز های مردم را مرتفع نمایند. حال آنکه مجلس اسلامی وظیفه

از نیمه بر نگذشته یا ساعت را گذاشته خورشید را نگاه می کند و یا با ساعت به خورشید نگاه می کند و...!

گفته بودی: «برای من خیلی جالب و گزنده است که اتحادیه ای که حکما را متهم به قیم مآبی و قاپیدن اعتراضات چپ می کند، خود چند صباحی نیست که به راه افتاده حداقل بازدید کنندگان سایت فیلتر شده حکما ده ها برابر سایت فیلتر نشده شما عزیزان است.»

دوست عزیز، برای من هم جالب است، هر چند گزنده نیست که درک شما از قیم مآب نبودن حزبتان مرتبط می شود به «متهم» کردن قیم مآبی حزبتان توسط اتحادیه ای که «چند صباحی نیست که به راه افتاده است». یعنی چه؟ یعنی اگر این اتحادیه از چند صباح کمی بیشتر راه افتاده بود و بعد حزبتان را به قیم مآبی «متهم» می کرد در این صورت دلیل کافی پیدا می کردید که قبول کنید حزبتان قیم مآب است؟ واقعا این است تئوری رد یا قبول نظری؟ دوست عزیز و پر شور، این نوع نگاه مادام که تحت نظر آوانتوریزم حکما باشید، سایه به سایه در تمام دوران مبارزاتتان شما را تعقیب خواهد کرد و این تصادفی نیست. این روش فرقه گرایانه، مذهبی و در یک کلام همان قیم مآبانه روبرو شدن با واقعیت است. و متأسفانه باید بگویم که حزب شما استاد چنین برخورد هایی است. تصادفی نیست که جای جای نامه شما نظارت بر ترسیم چته و ماهچه بزرگ و کوچک دارد. و باز تصادفی نیست که رهبران حزب شما همواره در غول واره جلوه دادن خود سعی می کنند کمر غول را بشکنند. به این موضوع پائین تر دوباره بر می گردم. اما در اینجا اجازه بده یک بار و برای همیشه تکلیف این فیلترینگ را حل کنیم. گویا شاخص انقلابی بودن یا نبودن یک جریان از نظر شما فیلترینگ شدن یا نشدن سایت آن جریان است و از آنجایی که سایت شما فیلترینگ است لابد باید به این نتیجه رسید که حزب شما انقلابی است و چون سایت اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی فیلترینگ نیست پس انقلابی نیست. در این صورت لازم است چند ده سایت غیر انقلابی، مبتذل، و حتی ضد انقلابی نظیر سایت های سلطنت طلبان به شما معرفی شود که فیلترینگ هم شده اند؟ آیا از فیلترینگ

شدن این سایت ها باید به این نتیجه رسید که پس آنها «حزب» انقلابی، بزرگ، و... هستند؟ آیا ما باید آرزو کنیم که هر چه زودتر سایتمان فیلترینگ شود تا هر چه زودتر بزرگ و حزبی تر شویم؟ به ما چه مربوط است که هنگام جمع آوری اسامی سایت های مشمول فیلترینگ شدن، سایت ما اصولاً هنوز شروع به کار نکرده بوده که به این لیست اضافه شود. ولی شما از الان که هنوز این بلا به سر این سایت نیامده بگویند که اگر در آینده فیلترینگ شد تکلیف چیست؟ آنگاه باید به استناد فیلترینگ شدن سایتمان خود را حزب بدانیم و شعار دهیم که چه نشستید، به ما ببیوندید که از فردای انقلاب، دنیای بهتر را در دامانتان می گذاریم؟

دوست عزیز، توصیه می کنم از همین آغاز تمایل خود به شرکت در جنبش انقلابی، فرا بگیر که واضح و روشن برخورد کنی. نه اینگونه که حزب نشان می دهد. اینگونه که انواع نظرات، بدون کوچکترین هماهنگی و خوانایی با یکدیگر و قابل تفصیر به انواع چیزهای دلخواه اما همگی بیرون آمده از یک حزب ارائه می شود.

آیا به نسبت توهمت برای فیلترینگ نشدن این سایت (که گویا جرم محسوب می شود) سؤالی برایت طرح شده است که حزب شما چگونه تدارک این امکانات قابل توجه رادیو – تلویزیونی را فراهم می کند؟ و بدنبال آن بدون این امکانات حتی نام این حزب به گوشت می رسید؟ شاید اگر کمی به گفته های رهبرانت (علی جوادی) با عمق بیشتری دقت کنی پاسخ این گونه سؤالات را بگیری. اینکه او می گوید «اگر لازم باشد ما با شیطان هم دور میز می نشینیم». اگر برای توضیح بیشتر این موضوع سؤال کنی، قطعاً با فاکتی از لنسین در همین رابطه، همه چیز ماستمالی خواهد شد. اما قبل از سؤال فراموش نکن که حزب تو باید از قبل حزب بلشویک شده باشد تا بتواند وارد این عرصه ها شود و نه برای بلشویک شدن به یاد مذاکره با شیطان بیاخته. فرق بین یک دولت کارگری برای مذاکره حتی با شیطان با یک فرضاً «حزب» برای همین مذاکره در این است که اولی با پشتوانه اراده یک طبقه مسلط، قدرت سیاسی به دست گرفته و با نظارت شورا

های کارگری وارد چنین مذاکره ای می شود و بلافاصله اعلام می کند که در مذاکرات خود هیچ چیزی برای پنهان کردن از مردم ندارد و تمامی مسائل مورد مذاکره را کاملاً علنی در همه جا اعلام خواهد کرد و اساساً در مذاکرات کاملاً علنی شرکت می کند. و دومی به فرض اینکه «حزبی بزرگ» است، (شاید هم برای اینکه بزرگ جلوه کند) وارد چنین مذاکره ای می شود که هیچ کدام از موضوعات آن از سطح رهبری، آن هم نه همه رهبری، خارج نمی شود. بنا براین دوست عزیز، تعجب نکن که یک شبه خبر دار بشی که حزب تو فرمان شرکت در مراسم مشترک با سلطنت طلبان صادر کند. وقتی آنها را به کنگره این «حزب بزرگ» کمونیستی برای تدارک انقلاب کمونیستی دعوت می کند، موارد بعد از این زیاد سخت نخواهد بود.

در هر صورت دوست عزیز، برای باز دید کنندگان زیادتر سایت شما که تازه فیلترینگ هم هست به شما تبریک می گویم. شما از سایت «تازه به راه افتاده» اتحادیه انتظار نداشته باشید که «این همه» بازدید کننده داشته باشد. و به من هم اجازه بدهید که از شما انتظار نداشته باشم که با این بازدید کننده کم باز نقد ما به حزب شما اینقدر موجب نگرانی شما شود. سائیتی با بازدید کننده کم و نقدهای آن به حزب بزرگ شما که نباید موجب «گزندگی» شود. مگه نه؟

ادامه دارد

لباس شخصی ها را افشا کنید!

تحصیل رایگان برای تمام فرزندان کارگران!

پیش به ایجاد تشکل مستقل جوانان!

زنده با سوسیالیزم!